

جنبش و جوشش

تجلی یک جنبش خودکامه خطرناک در حمله به کنگره

ضرورت جلوگیری از فاشیسم و نجات مردم تحت فشارهای اقتصادی

انتظار رخداد این دست از شورش‌ها می رفت

اتفاقات دیروز تجلی یک جنبش خودکامه خطرناک بود که از مدت‌ها قبل، برای آن برنامه‌ریزی شده بود؛ دو ماه پیش، گزارش‌هایی چاپ کردیم مبنی بر اینکه تعدادی از افراد در تلاش برای اجرای یک کودتا هستند، در آن زمان، با خود می‌اندیشیدیم که چرا دموکرات‌ها و رسانه‌ها توجه چندانی به این تهدیدها نشان نمی‌دهند. ما را به استهزا گرفته و بی‌توجهی می‌کردند، گویا امری محال است که چنین چیزهایی در آمریکا اتفاق بیفتد. در حال حاضر، بعد از رخداد وقایع روز چهارشنبه در ساختمان کنگره ایالات متحده، دیگر کسی ما را مورد تمسخر قرار نداده یا به حرف‌های ما، بی‌توجهی نشان نمی‌دهد. شورشیان به ساختمان یورش بردند و اجازه تنفیذ نتایج انتخابات ملی

خطرناک بود که مدت‌ها برای آن برنامه‌ریزی شده بود. نویسنده بعد از ذکر دلایل به وجود آمدن این حادثه، در نهایت ابراز می‌کند که هیچ نوع رابطه مستقیم و یک‌به‌یک بین اجرای سیاست‌ها با هدف بهبود زندگی مردم و به‌طور هم‌زمان، خاموش کردن شعله‌های فاشیسم وجود ندارد، همانند حالتی که در ساختمان کنگره در روز چهارشنبه شاهد رخداد آن بوده‌ایم؛ اما نجات میلیون‌ها فرد که از نظر اقتصادی سال‌های متمادی است تحت فشارند، بهترین شیوه و احتمالاً تنها شیوه برای جلوگیری از گسترش بیشتر فاشیسم در میان جمعیت عادی مردم در طولانی مدت خواهد بود؛ بنابراین، ضرورت دارد این امر هر چه سریع‌تر از همین امروز شروع شود.

دیوید سیروتا، نویسنده کتابی با عنوان «شورش»، در این مطلب با عنوان «انتظار رخداد این دست از شورش‌ها می‌رفت»^۱ - که در سیزدهم ژانویه ۲۰۲۱ در مجله جاکوبین^۲ منتشر شده است - ادعا می‌کند که دو ماه پیش از وقوع حمله به کنگره ایالات متحده آمریکا، گزارش‌هایی چاپ کرده مبنی بر اینکه تعدادی از افراد در تلاش برای اجرای یک کودتا هستند، البته در آن زمان، دچار تعجب و اندیشه شده است که چرا دموکرات‌ها و رسانه‌ها، توجه چندانی به این تهدیدها نشان نمی‌دهند. در واقع، او را به استهزا گرفته و بی‌توجهی می‌کردند، گویا امری محال است که چنین چیزهایی در آمریکا اتفاق بیفتد؛ اما در حال، حمله به کنگره اتفاق افتاد و تجلی یک جنبش خودکامه

1. DAVID SIROTA
2. The Insurrection Was Predictable
3. jacobinmag



را ندادند، نیروهای امنیتی به آن‌ها اجازه داده بودند تا وارد اتاق سنا شوند و مانع ادامه فعالیت آن‌ها شوند. تفاوت بسیار فاحشی وجود داشت میان شیوه برخورد نیروهای امنیتی فدرال به سال پیش در برخورد با اعتراض‌های جنبش «زندگی سیاهان مهم است» درحالی‌که بسیار قدرتمند خود را به تصویر می‌کشیدند و حال که مستبدان جناح راست وارد ساختمان کنگره شده بودند، این در حالی است که نیروهای امنیتی کاملاً مطمئن بودند که آن‌ها، قصد نفوذ به این ساختمان را دارند.

حدود ده سال پیش، کتابی تحت عنوان «شورش» نوشته‌ام که در آن، در مورد ورود به عصری پراز هرج و مرج صحبت کردم، اینکه گروه‌های راست گرا در تلاش برای کسب قدرت تحت لوای پوپولیسم هستند. در واقع، چنین چیزی در عصر حاضر، در حال رخداد است؛ پیش‌ترواکنش‌ها به

جنبش‌تی پارتی (جنبش اعتراض چای) به آن سرعت بخشید و در حال حاضر، دونالد ترامپ موجب تسریع این امر گردید، ترامپ، رئیس جمهوری بی‌نظیر در نوع خود است زیرا به راحتی می‌تواند به میل خود از منافع کاخ سفید برای تقویت کردن یا بی‌ثبات کردن اوضاع کشورش بهره برد.

اتفاقات روز چهارشنبه، ناشی از تمام آن فتنه‌انگیزی‌ها بود. اوج اتفاقی بود که می‌توانست در کشوری با چنان مصونیت بالایی رخ دهد. باید در اینجا به پنج نکته اصلی پی ببریم تا بتوانیم درکی درست از چگونگی رسیدگی به این امور داشته باشیم، زیرا احتمالاً تمامی این اتفاقات، حتی بعد از ترک کاخ سفید توسط ترامپ نیز ادامه یابد؛

۱. مدت بسیار مدیدی است که راست‌های تندرو را می‌شناسیم تعداد بسیار زیادی از آن‌ها از

طرفداران آقای ترامپ هستند و می‌دانیم که آن‌ها، دشمنی دیرینه با دموکراسی دارند. نتایج به‌دست‌آمده از نظرسنجی‌ها در دانشگاه مونموث به سال ۲۰۱۹، نشان داده است که حدود یک‌سوم طرفداران سرسخت ترامپ، تمایل بسیاری به انجام امور دیکتاتوری و مستبدانه دارند. به‌طور کلی، داده‌های به‌دست‌آمده از صندوق دموکراسی نشان داده که حدود یک‌سوم آمریکایی‌ها «براین باورند که انتخاب گزینه دموکراسی برای افراد خودکامه بسیار مطلوب است.» همان حالتی که در روز چهارشنبه به نمایش گذاشته شده بود.

۲. درحالی‌که ترامپ در تلاش برای مقصر جلوه دادن چپی‌ها در خشونت‌های ارتکاب شده در روز چهارشنبه بود، دولت وی در تلاش برای کم‌اهمیت جلوه دادن تهدید

مستبدان راستی و برترپنداری نژاد سفید بود. در یک دادخواهی تهیه شده توسط یک فرد افشاگر، یک مقام ارشد سابق امنیت میهن ایالات متحده آمریکا، وی ادعا کرد که مقامات ترامپ از او خواستند تا یک بخش گزارش آژانس در مورد «برترپنداری نژاد سفید را عوض کند، به گونه‌ای که خطر مطرح شده بسیار ملایم تر و با تهدیدکنندگی کمتر به نظر رسد.» امسال پولیتیکو در گزارشی آورده بود که افسران امنیت میهن ایالات متحده آمریکا «برای مدت یک سال در میان خود جنگیدند تا کاخ سفید را مجبور سازند، توجه بیشتری به تهدیدها و خشونت‌های تندروهای داخلی نشان دهند؛» اما در نهایت، آن‌ها دست از ادعای خود کشیدند زیرا آقای ترامپ، کوچک‌ترین علاقه‌ای به بررسی این موضوع نشان نداده بود. در عوض، نیروهای امنیتی فدرال بیشتر وقت خود را صرف اخراج مهاجران و بررسی فعالیت‌های فعالان محیط‌زیست کردند.

3. بودجه ای ۴۶۰ میلیون دلاری و ۲۳۰۰ پرسنل به پلیس ساختمان کنگره اختصاص داده شده بود تا از ساختمان کنگره ایالات متحده محافظت کند. اگر بخواهیم مقایسه‌ای داشته باشیم، این مبلغ اختصاصی به ساختمان کنگره، دو برابر میزان بودجه داده شده به اداره پلیس شهر من است که مسئولیت محافظت از کل کلان شهر را برعهده دارد. از

طرفی، نیروهای امنیتی ساختمان کنگره نمی توانستند یا تمایل نداشتند- مانع هجوم شورشیان به داخل این ساختمان در طبقه سنای ایالات متحده شوند؛ و به نظر هم نمی رسید که متعجب شده باشند. پیش‌تر در مورد شلوغی‌ها و اغتشاش‌ها نیز هشدارهایی داده شده بود. گویا این نیروهای امنیتی، قصد جلوگیری از خشونت‌ها و آسیب به این ساختمان را نداشتند.

۴. تقاضای موریل بروزر، شهردار واشینگتن، برای ارسال نیروهای کمکی گارد ملی به ساختمان کنگره، از همان ابتدای ارسال درخواست، توسط وزارت دفاع رد شده بود؛ همان وزارتی که رهبران، اخیراً معدوم شده و لویالیست‌های ترامپ (وفادار ماندگان به ترامپ)، جایگزین آن‌ها شده بودند. صرفاً یک تصادف یا اتفاق به نظر نمی‌رسید، با در نظر گرفتن این موضوع که ترامپ از همان ابتدا از شورشیان نخواستار بود که متفرق شوند.

۵. چند ماه قبل برای این شورش‌ها برنامه‌ریزی شده بود، درست زمانی که مسئولان حزب جمهوری خواه به شایعه پراکنی مشغول بوده و اطلاعاتی نادرست به مردم دادند و به دروغ گفتند که در انتخابات ملی ایالات متحده، تغلب شده است. این شایعات و دروغ‌ها پخش شد؛ یک نظرسنجی در ماه پیش برگزار

شد و نشان داد که سه چهارم رأی دهندگان جمهوری خواه، موافق‌اند که در انتخابات تغلب شده است. اگرچه کسی دلیلی مستند برای این نوع تغلب سیستماتیک نیاورده بود، قانون‌گذاران جمهوری خواه در واشینگتن، همچنان به تئوری‌های توطئه دامن زده و انتخابات را تغلب اعلام کردند، در نهایت، کنگره را مجبور کردند که انتخابات ملی را لغو کنند. یک عکس از جاش هالی (سناتور میسوری) در حال بالا بردن مشت خود در میان اجتماع شورشیان گرفته شد، درست در لحظه‌ای که به سمت ساختمان کنگره می‌رفت تا مانع صدور گواهینامه قانونی بودن انتخابات شود.

همان‌طور که اوایل این هفته نیز نوشته بودم، مقامات حزب جمهوری خواه - که مسبب اصلی رخداد این شورش‌ها و تحریک مردم برای ادامه اعتراضات بودند- رفتاری همانند سناتور میسوری پیش رو گرفتند زیرا با خود می‌اندیشند که هیچ نوع عواقب قانونی، اجتماعی و سیاسی، دامن‌گیر آن‌ها نخواهد شد. برعکس، تصور می‌کردند که به آن‌ها پاداش‌هایی تعلق خواهد گرفت، به جایگاهی بالاتر خواهند رسید و اکثر رأی دهندگان جمهوری خواه از آن‌ها حمایت خواهند کرد. حتی اگر این جمعیتی که همیشه رویه جلو حرکت می‌کند و به پشت سر نگاه نمی‌کند، همچنان به مسیر خود ادامه می‌داد و مطمئن بود که

هیچ نوع عواقب و پیگیری قانونی برای جرائم ترامپ، وجود نخواهد داشت، در چنین شرایطی، جمهوری خواهان نیز اطمینان داشتند که هیچ وقت در طول عمرشان، به دلیل رفتارهای هیجانی که از خود نشان داده بودند، پایشان به زندان باز نخواهد شد. با وجود تمام این اتفاقات، حتی اگر چیزی تغییر نکند، تمایل دارم موافقت خود را با دن ریفل، معاون نماینده الکسندریا اوکاسیو کورتز، اعلام کنم که امروز گفته بود: «همیشه - حتی در لحظاتی شبیه به اکنون - همه چیزی می تواند بدتر شود. اگر اتفاقاتی که در حال حاضر در حال رخداد است، صرفاً یک نشانه یا راهنما باشد، حتماً چنین اتفاقی در آینده خواهد افتاد.» اما هنوز می توانیم بسیاری از چیزها را عوض کنیم و باید این گونه باشد.

در کتاب شورش، این استدلال را آورده بودم که تشکیل یک حزب و جنبش مخالف، بهترین شیوه برای مقابله با افزایش پوپولیسم راست گرا و جلوگیری از تکثیر آن ها است البته مشروط به آنکه این حزب صرفاً دموکراسی و روح ملت دوستی را در قالب الفاظ ستایش نکند و در عمل نیز اثبات کند. همچنین، این جنبش مخالف باید مزایای مادی ملموسی برای طبقه ی کارگر داشته باشد، نه اینکه صرفاً یک متولی ناتوان و نخبه باشد و به ملت بگوید، اگر نان ندارید، خوب، کیک بخورید.

همان کاری که تحریک کنندگان جناح راست مدام انجام می دهند و تا ابد، تندیس آنان در آتش خشم مردم سوزانده خواهد شد.

نیو دیل^۱ چنین مزایایی را برای طبقه کارگر فراهم آورده و به آن ها کمک کرده بود تا بتوانند مانع گسترش فاشیسم راست گرایان در آمریکا شوند. تقریباً یک قرن بعد، انتخابات جورجیا که در همین هفته برگزار شده بود، توانست برای بار دوم شیوع فاشیسم راست گرایان را اثبات کند. درست در همان زمان، دو تا از مستبدان جمهوری خواه جناح راست توسط یک کشیش سیاه پوست - که اداره کلیسای دکتر مارتین لوتر کینگ جونیور را به عهده داشت و یک فرد یهودی مغلوب شدند - و دو دموکرات، در نهایت برنده شدند، آن هم به دلیل کمپین های انتخاباتی گسترده ای که برگزار کرده و در آن ها، صرفاً به مردم وعده داده بودند که در صورت برنده شدن، ۲۰۰۰ دلار چک به میلیون ها جورجیایی خواهند داد، افرادی که به هر دلیل اخراج شده بودند، غذا برای خوردن نداشتند یا ورشکست شده بودند.

البته، جدای از اینکه دموکرات ها چه خدماتی به مردم ارائه می دهند - چک های کمک معیشتی، بالاترین میزان برای حداقل دستمزد، خدمات درمانی تضمینی، سرمایه گذاری های بسیار گسترده برای ایجاد

اشتغال، سرکوب و سختگیری نسبت به شرکت های سوء استفاده گر - همیشه یک جنبش مستبدانه جناح راستی با هدف برافروختن مجدد شعله های نژادپرستی و غیر لیبرالیسم، صرفاً برای کسب منافع بیشتر، در آمریکا وجود خواهد داشت. بنابراین، مسئله ای ساده و پیش پا افتاده نیست؛ هیچ نوع رابطه مستقیم و یک به یک میان اجرای سیاست ها با هدف بهبود زندگی مردم و به طور هم زمان، خاموش کردن شعله های فاشیسم وجود ندارد، همانند حالتی که در ساختمان کنگره در روز چهارشنبه شاهد رخداد آن بوده ایم؛ اما نجات میلیون ها افراد که از نظر اقتصادی سال های متمادی است تحت فشارند، بهترین شیوه و احتمالاً تنها شیوه برای جلوگیری از گسترش بیشتر فاشیسم در میان جمعیت عادی مردم در طولانی مدت خواهد بود.

باید از همین امروز شروع کنیم؛ نه فردا و نه چند ماه دیگر، همین الان و در همین لحظه

منبع:

این مقاله ترجمه ای است از مقاله ای که در آدرس ذیل قابل دسترسی است:

<https://jacobinmag.com/2021/01/capitol-building-storming-far-right-election>

1. (New Deal)